

# تشیع در آمریکای امروز

محمد لگنهاوزن\*

**گروه اول: شیعیان مهاجر**  
نخستین گروه شیعیان مهاجر، از حدود صد و هشتاد سال پیش، از لبنان و سوریه به آمریکا مهاجرت کردند و در شهرهای دیترویت میشیگان و راس و داکوتای شمالی ساکن شدند. این مهاجرت بین سال‌های ۱۸۲۴ تا ۱۸۷۸ صورت پذیرفته است. در سال ۱۹۲۴، دولت آمریکا قانونی را تحت عنوان «قانون منع ورود آسیایی‌ها» (Asian Exclusion Act) که به نوعی مفهوم نژادپرستی را نیز دربرداشت، وضع کرد و با تمسک به آن، از ورود آسیایی‌هایی که از نظر آنان رنگین‌پوست محسوب می‌شدند و از نظر فرهنگ و رفتار، با سفیدپوستان

جامعه شیعیان آمریکا را در وهله نخست می‌توان به دو گروه بزرگ تقسیم کرد: گروه اول، شیعیان مهاجری هستند که حدود صد و هشتاد سال پیش، از کشورهای مسلمان به آمریکا مهاجرت کردند. گروه دوم، آمریکایی‌هایی هستند که به علت‌های گوناگون، از جمله، تبلیغات صوفی‌ها مسلمان می‌شوند. البته بیشتر مسلمانان آمریکایی آفریقایی‌تبار، ابتدا سنی شده‌اند و بعد تحت تأثیر روحیه و شخصیت امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی ایران به تشیع روی آورده‌اند.

\*. عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

اروپایی تبار آمریکا متفاوت بودند، ممانعت کرد. پس از جنگ جهانی دوم، این قانون تعدیل شد و آسیایی‌ها، و از جمله مسلمانان و شیعیان، توانستند به آمریکا مهاجرت کنند. اینک بزرگ‌ترین جمعیت شیعی در آمریکا در شهر دیترویت میشیگان، با سیصد هزار آمریکایی عرب‌تبار، ساکن است. در جنوب شرقی این شهر، یکی از بزرگ‌ترین مساجد آمریکا، یعنی مرکز اسلامی دیترویت، در سال ۱۹۲۰ میلادی ساخته شد. این مرکز، نزدیک کارخانه ماشین‌سازی فورد آمریکا ساخته شده است؛ زیرا بیشترین مهاجران عرب، در بدو ورود به آمریکا در آن کارخانه مشغول به کار شدند. رهبر فعلی این گروه، شخصی به نام امام حسن قزوینی است که در کربلا متولد شده و تقریباً ده سال نیز در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل بوده و در سال ۱۹۹۲ به آمریکا مهاجرت کرده است. در بالای سردر ورودی این مسجد، عکس بزرگی از او در کنار عکس جورج بوش به چشم می‌خورد. گفتنی است که شیعیان مهاجر، تنها عرب‌تبار نیستند، بلکه ایرانی‌ها، پاکستانی‌ها و دیگر ملیت‌های غیرعرب

نیز در میان آنان وجود دارند. به طور کلی، نکته مهم درباره شیعیان مهاجر، آن است که این گروه، غالباً فعالیت سیاسی ندارند و بیشتر مایل هستند خود را با فرهنگ و آداب آمریکا تطبیق دهند. آنان می‌خواهند مانند آمریکایی‌ها زندگی کنند و آمریکا را نه برای تبلیغات دینی، بلکه صرفاً برای کسب معاش و به عنوان محلی مناسب برای زندگی انتخاب کرده‌اند؛ هر چند نیازهای مربوط به دینشان، از جمله مراسم ازدواج، طلاق و تدفین مردگان، آنان را به سوی مراکز اسلامی می‌کشاند. معمولاً این‌گونه مراکز اسلامی، محلی برای تجمع هم‌ولایتی‌ها، تدریس و یادگیری زبان مادری و... می‌باشند. اما گاه مراکزی به چشم می‌خورند که محلی برای تجمع مسلمانان، بدون توجه به قومیت و ملیت، می‌باشند؛ مانند مرکز اسلامی آیت‌الله خویی در نیویورک، که معمولاً ایرانی‌ها، عراقی‌ها، لبنانی‌ها، خوجه‌های پاکستانی و آمریکایی‌ها در مراسم آن شرکت می‌کنند و یا مراکز امام علی علیه السلام، در نیویورک، که هرچند بیشتر فعالان آن ایرانی هستند، ملیت‌های دیگر نیز به آن جا رفت و آمد می‌کنند.

«انصارالله» که گروهی است با اعضای سیاه‌پوست از مهاجران سودانی و آمریکایی و دارای اعتقادات عجیب و غریب. رهبر این گروه، سودانی است و معتقد است پیامبر اسلام و همه ائمه علیهم‌السلام سیاه‌پوست بوده‌اند و اعراب نژادپرست، ابوبکر را که سرخ‌پوست بود، به دلیل رنگ پوستش، بر حضرت علی علیه‌السلام ترجیح دادند.

#### گروه دوم: آمریکایی‌های شیعه

گروه دوم، آمریکایی‌های سیاه‌پوست و سفیدپوستی هستند که از راه‌های گوناگون، از جمله با تبلیغات تصوف، شیعه شده‌اند. تصوف در آمریکا بیشتر از طریق فرقه نعمت‌اللهی دکتر نوربخش و فرقه شیخ فضل‌الله حائری عراقی تبلیغ می‌شود.

پیروان و مریدان دکتر نوربخش خانقاه‌های متعددی در شهرهای آمریکا و اروپا ایجاد کرده‌اند و به‌طور کلی، بر خلاف مریدان شیخ فضل‌الله به انجام احکام ظاهری دین تقیدی ندارند. شیخ فضل‌الله، رهبر گروه دیگر صوفیان،

درباره فعالیت سیاسی مهاجران شیعه، این نکته را باید اضافه کنم که گروه‌هایی مانند سلطنت‌طلبان ایرانی، که با رضا پهلوی در کالیفرنیا همکاری می‌کنند، برخی از پیروان نهضت آزادی، پیروان خط امام (ره) و حتی منافقان نیز اکنون از فعالان سیاسی در آمریکا هستند. غیر از مراکزی که مدیریت آنها با اشخاص روحانی است، مراکزی نیز وجود دارند که اداره آنها با اشخاصی است که هیچ سنخیتی با اسلام و شیعه ندارند، بلکه ضد علمای اسلام و از لحاظ سیاسی، ضد دولت ایران هستند. معمولاً سرپرستی این‌گونه مراکز، با پزشک یا مهندس فعالی است که خود پیش‌نماز هم می‌شود، بدون آنکه اطلاعی از اسلام و فقه داشته باشد. این‌گونه مراکز، از نظر سیاسی، کاملاً لیبرال هستند. خانم‌ها از نظر حجاب، در این مراکز (و فقط در محدوده این مراکز) به یک روسری اکتفا می‌کنند و حتی در برخی موارد، پیش‌نمازی را هم بر عهده می‌گیرند!

صدها گروه شیعی دیگر نیز در آمریکا وجود دارند؛ از جمله، گروه

پس از این ماجرا نیمی از هوادارانش او را به جرم رافضی بودن ترک کردند؛ ولی کسانی که باقی ماندند، شیعه شده و به فعالیت پرداختند؛ از جمله انتشارات «الزهر» را تأسیس کردند و مجله‌ای نیز با عنوان «نورالدین» چاپ کردند. فضل‌الله بعدها مورد آزار دولت آمریکا قرار گرفت و مجبور شد به انگلستان برود. هم‌اینک نیز در جنوب آفریقا به فعالیت مشغول است. پیروان او در آمریکا هنوز از فعالان محسوب می‌شوند و به علت چاپ آثار باارزشی، مانند ترجمه «گلشن راز» شبستری و برخی از آثار حیدر آملی مشهور هستند.

البته صوفی‌ها در آمریکا فرقه‌ها و شاخه‌های متعددی دارند و معمولاً هم کمتر اهل فعالیت سیاسی هستند. آنان بیشتر می‌خواهند سیر و سلوک و مکاشفات معنوی داشته باشند و بیشتر آنان نیز از هنرمندان، شعرا و نویسندگان هستند؛ نه از تجار، کارخانه‌داران و مانند آن. این گروه، فرهنگ حاکم بر آمریکا را دوست ندارند و بوهمی و *nonconformist* هستند؛ یعنی تابع فرهنگ عرف نیستند.

داستان جالبی دارد. وی که روحانی‌زاده‌ای از اهالی نجف و مهندس نفت است، تبلیغات خود را در کالیفرنیا آغاز کرد. مریدانی پیدا کرد و خود را صوفی معرفی نمود. پس از آنکه در حومه شهر آستین در تگزاس، زمینی زیبا و وسیع را خرید و مجموعه‌ای را به نام «بیت دین»، شامل مسجد، مدرسه و حجره ساخت، تصمیم گرفت تقیه را کنار بگذارد. این ماجرا در اوج فعالیت وی و در دهه هفتاد روی داد و در آن زمان، حدود ۱۵۰ نفر در مرکز وی فعالیت می‌کردند. شیخ فضل‌الله روزی به مؤذن مسجد دستور داد که پس از «اشهد انّ محمداً رسول الله» عبارت «اشهد انّ علیاً ولی الله» و «اشهد انّ علیاً حجة الله» را سر دهد. پس از نماز مغرب و عشاء، شیخ در میان مریدانش، که حیرت‌زده به دور او جمع شده بودند، اعلام کرد که شیعه است و چون در حال تقیه بوده است، نمی‌توانسته آن را ابراز کند. او ادامه داد که اینک آنان مرکز خودشان را دارند و کسی نمی‌تواند مزاحم آنان شود و بنابراین تقیه لازم نیست.

انگلیسی قرآن را از شاکر و ترجمه میراحمد علی را برای اولین بار در سال ۱۹۸۸ چاپ کرد.

غیر از مراکز اسلامی شیعیان، چندین سازمان شیعی دیگر نیز در آمریکا فعال هستند؛ از جمله در شهر مدینه، در ایالت نیویورک و نزدیک به مرکز کانادا، حوزه علمیه کوچکی تأسیس شده است. سازمان دیگری به نام «سازمان جوامع مسلمان اثناعشری آمریکای شمالی»<sup>۳</sup> در سال ۱۹۸۶ تأسیس شده است که برای ایجاد وحدت میان شیعیان آمریکای شمالی تلاش می‌کند و اعضای آن، سازمان‌ها و مراکز شیعی هستند؛ نه افراد. این مرکز، زمینه همکاری سازمان‌های تابعه در امور دینی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌کند.

سازمان بسیار مهم و مشهور دیگری در آمریکا وجود دارد به نام فدراسیون جهانی جوامع مسلمان شیعه خوجه<sup>۴</sup> که مدیریت آن را حاج حسین ولجی عهده‌دار است. البته سازمان‌ها و مراکز شیعی دیگری نیز وجود دارند که به فعالیت مشغول‌اند؛ ولی آنچه باید بدان

شیعیان سیاه‌پوست آمریکا بیش از هر گروه دیگری با سیاست آمریکا مخالفت می‌کنند، سیاست و فرهنگ آمریکا را ظالمانه می‌دانند و با هر وسیله‌ای، حتی با پوششی غیرمعارف به مقابله با آن می‌پردازند. شیعیان آمریکایی آفریقایی تبار، به ویژه، به بعد عرفانی امام علاقه خاصی دارند. نکته درخور توجه درباره شیعیان آمریکا این است که گروه شیعیان مهاجر، بیشتر در جهت همگون شدن<sup>۱</sup> با فرهنگ آمریکا و آمریکایی‌ها حرکت می‌کنند؛ در حالی که گروه دوم، یعنی آمریکایی‌های شیعه شده همواره در مخالفت با آمریکا - در عرصه‌های سیاست و فرهنگ - هستند. این دوگانگی، گاه این دو گروه را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد.

گروه‌های شیعی دیگری نیز در آمریکا فعال هستند؛ از جمله گروه خوجه‌ها<sup>۲</sup> در کونیز نیویورک که به علت فعالیت‌های انتشاراتی‌شان مشهور هستند. آنان کتاب Tahrīke Tarsīle Quran را چاپ کرده‌اند. عضو بسیار فعال این گروه، عون علی خلفان است که ترجمه

شدت گروه اول و نه به بی‌خیالی گروه دوم هستند. پس از یازدهم سپتامبر، این گرایش‌ها شدیدتر هم شد. گروهی از شیعیان، در اثر فشارهای دولت آمریکا، مأیوس شده و از سازگاری با فرهنگ و سیاست آمریکا دست برداشته و حتی برخی حاضر به بازگشت به کشورهای خود شده‌اند. برخی دیگر نیز تلاش کرده‌اند بیشتر دور هم جمع شوند. از نظر جامعه‌شناسی معلوم نیست چه وضعیتی پیش خواهد آمد. برخی دیگر نیز با دولت آمریکا برای جنگ علیه تروریسم اعلام همکاری کرده‌اند و به‌ویژه، برخی از گروه‌های شیعه، این تروریسم را به سنی‌ها و بنیادگراها نسبت می‌دهند و قائل‌اند آنان که حاضر به سازش و مصالحه با آمریکا نیستند، همین بنیادگرای تروریست هستند. مردم آمریکا نمی‌دانند تفاوت میان سنی و شیعه چیست. آنان حتی نمی‌دانند که سیک‌ها مسلمان نیستند و به همین علت، بسیاری از آنان را به خاطر عمامه‌شان مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند و کار به جایی رسید که سیک‌ها مجبور شدند

توجه کنیم، این است که به نظر من، مسلمانان و به‌طور خاص، شیعیان در آمریکا سیری همچون سیر تاریخی یهودیان آمریکا دارند؛ بدین معنا که یهودیان در آمریکا به سه گروه مشخص ارتدکس، اصلاح‌شده و بینابین، که آنان خود به آن محافظه‌کار می‌گویند، تقسیم شده‌اند.

مسلمانان نیز به همین گونه، به سه گروه تقسیم شده‌اند: گروهی که بسیار مقید به آداب اسلامی هستند، می‌خواهند مسلمانی خوب باقی بمانند و از فرهنگ غالب آمریکا رنج می‌برند. این گروه، شامل مهاجران و نیز آمریکایی‌های مسلمان شده می‌باشند. گروه دیگر، می‌خواهند همچون آمریکایی‌ها زندگی کنند و می‌کوشند خود را هر چه بیشتر با فرهنگ آنان سازگار کنند و ارزش‌های غالب در آمریکا را ارزش واقعی می‌دانند. تنها برخی از مهاجران و نیز برخی از آمریکایی‌های مسلمان‌شده، این طرز تلقی را دارند؛ زیرا اسلام، در عمل، راحت‌تر از فرهنگ غرب است.

گروه سوم، مسلمانانی هستند که نه به

وطن جدید خود را بسیار دوست داشته باشند.

به طور کلی، اینان می خواهند به آمریکایی ها بگویند که از ما ترسید، ما نیز مردم خوبی هستیم و مانند شما کار می کنیم، فقط به جای کلیسا به مسجد می رویم، ما را اذیت نکنید. پس از یازدهم سپتامبر، مردم مسلمان، بیشتر با غیرمسلمانان ارتباط پیدا کردند؛ ولی نه به این منظور که غیرمسلمانان را مسلمان کنند، بلکه به این منظور که به آنان بگویند که بیایید با مراکز اسلامی و اعتقادات ما آشنا شوید. به اعتقاد من، هر چند برای این گونه کارها کمی دیر شده است، ولی باز هم ارزش دارد. تقریباً همه مساجد و مراکز اسلامی در آمریکا برنامه ای برای معرفی اعتقاداتشان به مسیحیان و پیروان دیگر مذاهب دارند.

در باره جمعیت مسلمانان و نیز درباره تعداد گروه های مذهبی در آمریکا اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. گروهی اعلام کرده اند که مسلمانان در آمریکا اصلاً نمی توانند بیش از دو میلیون باشند؛ در حالی که اگر شما فقط به کتاب تلفن

روی لباسشان علامت مخصوصی بگذارند و بگویند که ما مسلمان نیستیم.

حاج حسن ولجی که پیش تر از او یاد کردم، پس از یازدهم سپتامبر، در اعلامیه ای که به همین منظور صادر کرد، تروریسم را محکوم، و در حمایت از جنگ بر ضد تروریسم، خود را همدل و هم صدای بوش معرفی کرد و با اشاره به سخن بوش که گفته بود: «همه مسلمانان بد نیستند»، گفت که ما هم مانند هفت میلیون مسلمان دیگر، آمریکا را وطن خود می دانیم، ما پرکارترین و مبتکرترین افراد جامعه مسلمان، در میان دیگر جوامع اسلامی هستیم و باید به مسلمانان دیگر کمک کنیم تا ارزش های آمریکایی را درک کنند و این تنفر نابه جای ضد آمریکایی را کاهش دهند.

امام حسن قزوینی نیز، که امام جماعت بزرگ ترین مسجد آمریکا در دیترویت است، پس از یازدهم سپتامبر، در رادیو، تلویزیون و کلیساها ضمن محکوم کردن این حادثه، زندگی مسلمانان در آمریکا را بسیار خوب توصیف کرد و گفت که مسلمانان باید

مراجعه کنید، اسم مسلمانان بیش از دو میلیون نفر است. آنان این‌طور حساب کرده‌اند که اگر از مساجد و مراکز اسلامی بپرسیم که چند عضو رسمی دارند و تعداد این افراد را با هم جمع کنیم و بعد تعداد فرزندان آنان را نیز حساب کنیم، می‌توانیم بگوییم که تقریباً دو میلیون نفر مسلمان وجود دارد. اما گروه‌های دیگر، تعداد مسلمانان در آمریکا را در حدود هشت تا ده میلیون نفر می‌دانند. بیشتر گروه‌هایی که منصفانه سخن گفته‌اند، تعداد مسلمانان را شش تا هفت میلیون نفر تخمین زده‌اند. البته در این زمینه که از آن میان، چند نفر شیعه هستند، هیچ آمار مشخصی در دست نیست. ■

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتنا جامع علوم انسانی

..... پی نوشت‌ها:

1. assimilation
2. Khoja
3. North American shia Ithna Asheri Muslim  
zomunication Organization (Nasimco)
4. The World Fedration Khoja Shia  
Communities